

ستاره‌ها در آبگیر به پشت خوابیده‌اند

■ داوود ملک زاده

نگاهی به مجموعه شعر «یک نفر آمد و رفت ...»
سروده «صمد جامی»

یک - درباره صمد جامی و اندیشه‌اش
درباره شخصیت «صمد جامی»، ویژگیها و چگونگی بودنش، - در یک سال اخیر- حرفهای زیادی زده شده است. در این نوشته قصد بر این است که بیشتر روی شعرهای صمد که به تازگی در مجموعه‌ای منتشر شده؛ صحبت شود. اما من نیز ناگزیرم تا بگویم که صمد اهل درد بود و با آن زیست و با آن مرد و ذره‌ذره‌های دردش هم در سطر سطر شعرهایش پیداست: «نه ابر/ نه باران/ و نه خاک/ و نه خورشید/ هیچ یک/ خوشه‌ها/ فقط خوشه‌ها- / طعم داس را چشیده‌اند.» (داس، ص 101) و این مسئله باعث شده تا او فقط در لحظه‌های دردمندی به سراغ شعر برود و تلخیها را به ثبت رسانده است. شاید این امر در شعر خلیها باشد، حتی آنهایی که روزمره خوبی دارند و شاد هستند؛ تنها به ثبت لحظات اندوه می‌پردازند. شاید جالب باشد که بگویم صمد گاه هم‌سو با هدایت و کافکا پیش می‌رود و در لحظات عاقلانه‌اش شبیه شاملو و خیام می‌شود!

البته در بعضی از لحظه‌های عاشقانه، می‌توان امیدواری را هم در شعرهای صمد دید: «دوباره می‌آیی/ و کوچی از تاپ تاپ کفشهایی عاشق/ پر می‌شود/ با دکمه‌های آفتابی‌ات/ از نردبان فصلها بالا می‌روی؟ کلاغها را در سیاهی چشمانت چال می‌کنی/ و من/ عطر بهار را می‌شنوم/ که در منقار کبوتری/ نزدیک می‌شود.» (فصلی‌نیامده، ص 83)

دو - غزلها

غزلهای این مجموعه بیشتر محصول سالهای 78 و 79 است. یاد می‌آید که آن وقتها که صمد به انجمن شعر می‌آمد؛ (سالهای 79 تا 81) می‌گفت که دیگر مدتی است غزل نمی‌گوید. غزلهای صمد واقعاً ساده و در عین حال شنیدنی و زیبا هستند. سهل ممتنعی است که به راحتی، حرفهای ساده را وارد غزل کرده است:

باران گرفته است، کسی توی کوچی نیست
و کوچی مثل خلوت پیراهن زنی‌ست
وقتی که باد می‌وزد و باز می‌کند

دکمه به دکمه پنجره را مرد، دیدنی ست (شاید، ص 12)

استفاده از ردیفهای دشوار و پیاده کردن آن در شعر، از ویژگیهای دیگر غزلهای «جامی» است:

یک برگ رو نکرده همان آس خشت که ...

آن برگ نانوخته و این سرنوشت که ...

یک شاعر گرسنه در آن سوی میز مرگ

در ابتدای دفتر شعرش نوشت که:

ما نان نداشتیم، (و) تقدیر تلخ ماست

زند، سکوت، دوزخ و ... آن سو بهشت که ... (آس خشت، ص 10)

و یا:

نه ابر بود و نه باران ... دو مرد، یک لیوان

و جرعه‌جرعه فروریخت، سرد، یک لیوان

دوباره بطری خالی، لبی ترک‌خورده

و باز بطری دیگر، و درد، یک لیوان، (یک لیوان، ص 19)

و یا غزلی با ردیف «مرد» که به فتح و ضم «میم» می‌شود آن را خواند و با هر دو هم قابل تأویل است:

ساعت درست روی چاهار ایستاد، مرد

پیچید سمت کوچی بن بست، باد مرد

باران گرفت و ... ثانیه‌ها چکه‌چکه ... ریخت

آورد ... سنگ‌فرش ... زنی را به یاد، مرد،

ساعت هنوز روی چاهار ایستاده است

در انتظار معجزه آن یکاد ... مرد. (ساعت چاهار، ص 34)

اگرچه به نظر می‌رسد که شعرهای صمد در فضاهای شبیه به هم اتفاق می‌افتد و عناصر و شخصیتها خیلی به هم نزدیک‌اند؛ اما به‌رغم این مسئله در بعضی غزلها حرفهای تازه و بکری زده می‌شوند که واقعاً زیبا هستند:

وقتی که تقویم ما هم، از جنس خورشید و ماه است

یعنی که حتی زمین هم، در کار ما روسیاه است

تقصیر سیب است و گندم، این روزها ما ملول‌ایم

با فرض تقدیر بودن، قابیل هم بی‌گناه است (تقویم، ص 31)

سه- شعرهای سپید

هر چند در شعرهای، غزل و سپید، این مجموعه، ذهنیت بر عینیت می‌چربد؛ و گاه در به کارگیری ذهنیت و استعاره زیاده‌روی شده، اما گاه به خلق تصاویری زیبا منجر می‌شود. در شعر زیر باز شدن دکمه‌های پیراهن، به زیبایی به هلال و قرص ماه تشبیه شده‌اند:

«در دیشب چشمانت/ که هی دکمه‌هایت ماه می‌شوند/ و هی ابر می‌پوشاندشان/ که باد از شکاف پنجره فلوت می‌زند / تا دختری بر روی پرده برقصد/ و دستی امتداد راه شیری را/ تا یقه پیراهنت که هی دکمه‌هایت بدر شوند/ و هی هلال/ در

دیشب چشمانت / که خواب از گلوئی اتاق پایین نمی‌رود / مردی در دیشب چشمانت / شهاب می‌شود.» (در دیشب چشمانت، ص 74)

در سبدهای این مجموعه، شاعر رفته‌رفته زبان خودش را پیدا کرده است. به طوری که کفه سنگین معنمداری را کمی به سمت زبان‌مداری برده و راحت‌تر حرف زده است. در مجموع «صمد جامی» به‌رغم همه این حرفها، شاعری است که مفهوم‌گرایی شعرش را در اولویت قرار می‌دهد. در واقع او، مثل بسیاری، معتقد است که شعر باید حرفی برای گفتن داشته باشد. صمد کاری به این مسائل ندارد و دارد شعرش را می‌گوید و تو اگر دقیق باشی از میان شعرهایش می‌توانی لحظات تازه و تصاویر بکر را شکار کنی و از تماشایشان لذت ببری: «آرزوهایت را که زیر پایت بگذاری / قدت بلندتر می‌شود» (خاکستری، ص 60) و نیز این سطر زیبا که نشان از یک ذهن خلاق شاعرانه دارد: «ستاره‌ها در آب‌گیر به پشت خوابیده‌اند» (سیگار، ص 82)

چهار - تأثیرپذیری از شاملو

در این مجموعه گاه دیده می‌شود که زبان شاملو بر شعرها سوار است. البته گاه زبان شاملو است و بعضی وقتها حتی موضوع و عین کلمات و ترکیبهای مورد استفاده او. باید گفت تا جایی که تقلید جای تأثیر را نگیرد چندان ایرادی ندارد. برای مثال شعر زیر از آن جمله است که «از زخم قلب آبیایی» شاملو را تداعی می‌کند: «گیسوانت / دختران دشت / چشمانت / دختران انتظار / سینهات / آلاچیقهای نو / پاهایت / روز، خسته‌گی دویدن / و دستانت / چه کسی را صیقل خواهد داد» (شعری ...، ص 38)

اما گاه این تأثیرپذیری در جهت مثبت است، به طوری که شاعر با بهره‌گیری از آن زبان، شعر خودش را سروده است: «... چه ساده‌اند / چه معصوم و چه کوچک /، تمام دل‌خوشی‌شان، / سیگاری است که دزدانه می‌کشند / و دخترک همسایه / که زدانه‌اش می‌پاید» (سنگ سارا، ص 42)

به نظر می‌رسد که این تأثیرپذیری، در شعرهای ابتدایی صمد به چشم می‌خورد. این مسئله‌ای عادی است چرا که حتی بسیاری از بزرگان شعر امروز در شروع کار تحت تأثیر زبانی یکی از شاعران بوده‌اند. و نیز به نظر می‌رسد که شعرهای این دفتر، تقریباً، به ترتیب تاریخ سرایش چاپ شده است و این خودش به ما کمک می‌کند تا سیر حرکت زبانی شاعر را به خوبی حس کنیم. «دا ... روخانه‌ها را بیهوده نگردی ... / در ... مان ندا ... / درد ... را از هر سو که بخوانی ... درد است / آینه / نامرد» را «درمان» می‌کند؟ و «درد» / همچنان «درد» است. (درد، ص 40)

پنج - درباره این مجموعه

مجموعه شعر «یک نفر آمد و رفت ...» 102 صفحه دارد. این مجموعه به دو بخش «غزل» و «سپید» تقسیم شده است که البته در بین سپیدها، تک و توك شعر نیمایی هم آمده است. این کتاب از سوی انتشارات «گیله‌وا» و با تیراژ 3000 و قیمت 850 تومان منتشر شده است.

همیشه بر این نکته تأکید دارم که شعرهای خوب با انتشار خوب همراه است. حالا هم با همه احترامی که برای همه قایلیم عرض می‌کنم که این کتاب می‌توانست شکل‌تر از این طراحی و چاپ شود. شاید اگر خود صمد الان پیش ما بود روی این مسئله حساسیت نشان می‌داد. حتی معتقدم اگر صمد خودش دست به اقدام برای چاپ می‌زد تعدادی از شعرهای سپید و حتی بعضی غزلها را در این مجموعه نمی‌آورد و گذشته از این که ایرادهای تایپی را برطرف می‌کرد؛ ایرادهای وزنی بعضی از غزلها را هم برطرف می‌کرد یا آنها را کنار می‌گذاشت.

به هر حال اگر قرار شد این مجموعه روزی به چاپ دوم برسد، باید دقت بیشتری انجام شود و در این راه از نظرات اهل شعر و کتاب هم باید استفاده کرد تا مجموعه منتشرشده هر چه بهتر و قوی‌تر از چاپ دربیاید.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی